

صبح روز پنجشنبه تشییع و در جوار علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

عبدالحسین جواهر الکلام



حجة الاسلام جعفری در پی بیماری در غروب روز سه شنبه ۲۴ ربیع الاول ۱۴۲۹ ق/ ۱۳ فروردین ۱۳۸۷ ش در سن ۷۶ سالگی در شهر قم دیده از جهان فرو بست. پیکرش

علاوه بر تدریس مقدمات و برخی از کتب سطح در خدمت اسلام و مرجعیت و مشغول ترویج مذهب و تقدیم خدمات اجتماعی نیز بوده است.

فرهنگی

مولانا و قونیه

همچنان استوار بر بلندای تاریخ

در اثنای سفر به شهر استانبول و دیدار از نمایشگاه کتب اسلامی در جامع سلطان احمد و خرید برخی منابع و مصادر الحمد لله توفیقی نصیب گردید در معیت ده نفر از اساتید فرهیخته و دانشمند آقایان محمدعلی ایازی، محمد مجتهدی، سیدحسن اسلامی، حسین علیزاده، مصطفی مطبعمه چی، محمد نوری، رضا بابایی، محمد مرادی، رحمان ستایش و هادی ربانی، در روز سه شنبه ۹ مهر ۱۳۸۷ برابر با آخرین روز ماه مبارک ۱۴۲۹ این روز بر اساس تقویم رسمی ترکیه روز عید فطر اعلام شده بود) به شهر مولانا یعنی قونیه سفری کنیم و تربت مولانا جلال الدین محمد بلخی رومی، پدر، پسر، شاگردان و سایر زهاد و اوتاد مدفون در کنار مزار آن سترگ شاعر و عارف نامی را از نزدیک زیارت نماییم و به روح پاکشان درودی بفرستیم و یادشان را گرامی بداریم.

شهر قونیه با ارتفاع ۵۳۳ متر از سطح دریاهای آزاد جهان در حدود ۵۰۰ کیلومتری جنوب شرق استانبول قرار دارد و از آنکارا تا قونیه نیز در جنوب آن حدود ۲۵۰ کیلومتر مسافت است که پس از گذر از شهرهای کوچکی همچون «کولو» و «جیهان بیلی» و نیز گذر از کنار دریاچه «توز گولو» به قونیه می رسد. شهر قونیه در زمان های کهن از طرف یونانیان «دانا» نامیده می شد که مرکز سرزمین «لیکانونیه» محسوب می گردید،

مغولان به سمت غرب آغاز شده بود، به جهت امان ماندن از آنان و نیز سیاحت بعضی بلاد روم و زیارت بیت الله الحرام و ادای فریضة حج به مصاحبت پدر دانشمندش راهی غرب گردیدند و در اثنای راه در نیشابور با عطار نیشابوری ملاقاتی نمود و از طرف آن روشن ضمیر به موفقیّت بی نهایت درخشان آینده اش مستبشر گردید. او نسخه ای از اسرار نامه اش را نیز به مولانا هدیه کرد. آنان هنگام بازگشت از سفر حج مدتی را در شام اقامت نمودند و پدر نیز بنا به وصیت برهان الدین ترمذی راهی دیار روم گردید و در این اثنا قاصدی دهرت سلطان علاءالدین سلجوقی از پدر و پسر را جهت اقامت در قونیه به آنها ابلاغ نمود. از آن پس بهاءالدین محمد و مولانا در قونیه اقامت گزیدند. پدر عارفش بهاءالدین محمد در سال ۶۳۱ ق در قونیه درگذشت. مولانا پس از پدر ممتکّن مسند تدریس و حلقه تصوف و عرفان در قونیه گردید و گفته شده که ۴۰۰ طالب علم و سالک الهی الله در حلقه درس مولانا جلال الدین رومی شرکت می جستند و هر یک به اندازه استعداد خود بهره می بردند:

یکی را بهر مخموری و مستی

یکی را رستن از پندار و هستی

حضور ناگهانی شمس تبریزی در قونیه با اشاره شیخ رکن الدین زرکوبی آغاز نقطه عطفی در زندگی مولانا گردید. این رابطه عشق و عاشقی میان مولانا و شمس به حدی بود که وی در پی پیر، مرشد و مراد خویش (شمس تبریزی) مسند رسمی تدریس علوم ظاهری را رها نمود و حلقه مریدی شمس را

سپس بعدها به تدریج از سوی رومیان به «ایقونوم» مشهور گردید و از زمان سلجوقیان که این شهر به پایتختی انتخاب گردید، به اختصار به «قونیه» شهرت یافت. سلطان علاءالدین سلجوقی در دوران سلطنت خود با احداث سور و بارو و کندن خندق دور آن به تحکیم این شهر پرداخت و سلجوقیان بعدی نیز با احداث مدارس، جوامع و سایر بناها به تدریج بر استحکام و غنای این شهر افزودند، لیکن در جنگ های بین آل عثمان و سلجوقیان در اواخر سده ۷ و اوایل سده ۸ ق شهر قونیه متحمل خسارات فراوانی گردید و بسیاری از بناهای کهن آن تخریب شد. پس از آن بود که این شهر از سوی عثمانیان فتح گردید و در قلمرو ممالک امپراتوری عثمانی قرار گرفت. از آثار به جای مانده از دوره سلجوقیان، افزون بر مزار مولانا می توان به جامع شریف سلطان علاءالدین کیقباد سلجوقی اشاره نمود که بارها از سوی سلاطین عثمانی تعمیر و مرمت شده است (قاموس الملام، ج ۵، ص ۳۷۸۱-۳۷۸۲).

تردیدی نیست آنچه که مشتاقان و دلدادگان را از سراسر جهان به شهر قونیه می کشاند، زیارت خاکجای و تربت عارف نامی ایران زمین مولانا جلال الدین محمد بن بهاءالدین محمد بن حسین بلخی رومی است. مولانا در سال ۶۰۴ ق در بلخ دیده به جهان گشود و تحت تربیت پدر مراحل سلوک و عرفان عملی را از همان سنین کودکی پی گرفت و از همان ایام نوجوانی صیت و آوازه او در تمامی اقطار پیچید و یگانه آفاق گردید. در همان اوان که هجوم لشکر چنگیز خان و

به گوش نمود و به طیّ مراحل متعالی عرفان و تصوّف اشتغال ورزید.

مولانا در موقع تبعید شمس در معیت او موسی وار به تبریز رفت و همراهِ خضر زمانش سال‌ها به سیر آفاقی و انفسی پرداخت و از خرمن آن عارف ناشناخته خوشه‌ها چید. وی چنان شیدا و مجذوب شخصیت شمس گردیده بود که دیوان کبیر خویش را دیوان شمس نامید. مولانا پس از طیّ مراحل و مراتب عرفانی و ملاقات با بسیاری از عارفان نامی عاقبت به قریه بازگشت و در سال ۶۷۲ ق/ ۱۲۷۳ م در ۶۹ سالگی روح بزرگش به آستان جانان پیوست.

عشق به مولانا و کلمات ناب این عارف شیرین بیان در مثنوی معنوی و دیوان کبیرش همه انسان‌های آزاده را از هر دین و مسلکی به زیارتش می‌کشاند. تردیدی نیست هر کس اندک مصاحبتی با مثنوی مولانا داشته باشد، هنگام مواجهه با مرقد آن عارف نامی سراپای وجودش مملو از شور می‌شود و ناخودآگاه سرشک چشمانش همنا با ذکر و سماع ناپیدای این جمع آرمیده در بر مولانا به رقص درمی‌آید و بر گونه جاری می‌شود. به حقیقت اینجاست که عشق به مولانا به اوج خود می‌رسد و آدمی را به اعجاب درمی‌آورد و انگشت حیرت به دهان می‌گیرد...

لحظه‌ای از خود می‌پرسم به راستی این مردم عاشق در آموزه‌های منظوم و منثور این سترگ مرد تاریخ، این دل‌باخته سرسلسله تمامی عارفان یعنی مولی‌الموحّدين امیر المؤمنین علی - علیه السلام - چه دیده یا خوانده‌اند که چنین عاشقانه، پروانه‌وار، با چشمانی اشک‌بار و سراپا شور و شغف بر آستانش بوسه می‌زنند و حاجت می‌خواهند؟ دلم می‌خواست داستان «یا شمس» مولانا و «یا علی» شمس تبریزی بر روی آب را فریاد بزنم که ای دلدادگان آستان مولوی سرچشمه حقیقت زلال مولوی «علی» بوده است، مولوی اگر مولوی است، تنها از معرفت «علی» است...

تردیدی نیست مشهورترین و جذاب‌ترین اثر این عارف سترگ مثنوی معنوی است که حاوی آموزه‌ها و معارفی ناب از مراحل

عرفان و تصوّف و سلوک و اخلاق اسلامی و... می‌باشد؛ به تعبیر دیگر این اثر در واقع ترجمانی منظوم از وحی است که در قالبی روان و شیرین با هرمنوتیکی ظریف و لطیف از کلمات دربار نبوی و گهربار علوی در قالبی هارمونی از امثال و حکایات شیرین ممزوج گردیده و در کاخ بلندی به نام مثنوی معنوی به نظم درآمده است.

مثنوی معنوی دارای شش دفتر است که مجموع ابیات آنها به گفته نفیسی ۲۵۶۳۲ بیت یا بنا به نوشته شمس الدین سامی بیش از ۴۷۰۰۰ بیت می‌باشد. ابیات عرفانی و اخلاقی مولانا به جهت لطافت و صداقت و ظرافتی که آموزه‌های الهی - انسانی در میان طبقات و لایه‌های آن نهفته است، از همان ایام مورد توجه خاص عام و فرهیختگان سایر اقوام و ملل از مسلمانان و مسیحیان و... قرار گرفته و شروع متعددی به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی و... بر آن نگاهشته شده است، همچون شرح سروری، شرح سودی، شرح آنفروی با عنوان فاتح الابیات، شرح خوارزمی با عنوان کنوز الحقائق، شرح عابدین پاشا، شرح مصنفک، شرح حاج ملاهادی سبزواری، شرح نیکلسون و... و نیز ترجمه‌ها و اختصاراتی به زبان‌های گوناگونی از آن صورت گرفته است.

کتاب‌شناسی‌های نوشته شده درباره مثنوی معنوی، خود، بهترین گواه از جایگاه و ارزش و گستره و قلمرو این اثر گرانبگ می‌باشد. نفیسی در مقدمه لب لباب مثنوی کاشفی گوید: «مثنوی معنوی کتابی است در شش دفتر... از کنار دریای روم گرفته تا کنار رود گنگ بر همه اندیشه‌ها حکمرانی می‌کند. نسخه‌ها از آن برداشته‌اند، ترجمه‌ها از آن کرده‌اند، خلاصه‌ها از آن پرداخته‌اند. یکی می‌خواند و بر اوراق آن می‌گرید، یکی زمزمه می‌کند و بر اشعار آن دست می‌افشاند و پای می‌کوبد، یکی در نماز و طاعت آن را با راز و نیاز خود جفت می‌کند، یکی از آن حکمت می‌آموزد، دیگری عرفان، سومی لغت و صرف و نحو، چهارمی سخن‌گویی و فصاحت، پنجمی دین، ششمی داستان آن را از بر می‌کند، یکی با شمار آن مثل می‌زند،

دیگری سخن آن را گواه خود می‌آورد، یکی را می‌خنداند، دیگری را می‌گریاند. خدا داند که این کتاب چه شورها در جهان افکنده و چه شورها را فرونشانده است. جلال‌الدین محمد مولوی و کتاب مثنوی او داستان بسیار طولانی دارد و در یکی چند صحیفه نمی‌توان این مبحث بدین درازی را برگزارد، یک زبان خواهد به پهنای فلک، چنان‌که هنوز با آن همه که در هفتصد سال نوشته‌اند و گفته‌اند گفتنی و نوشتنی بسیار است. این کتاب دریایی است پهناور که ازین کران بدان کران آن سال‌ها راه است. چه بسا مردمی که در میان موج‌های مردم اوبار آن غرق شده‌اند و هرگز به ساحل نرسیده‌اند.

باید دانست از مولانا جلال‌الدین رومی افزون بر مثنوی معنوی آثار دیگری نیز به نام وی برجای مانده که از آن جمله‌اند: دیوان شمس تبریزی (دیوان کبیر = کلیات شمس)، مقالات شمس تبریزی، فیه ما فیه مولانا، غنچه صدبرگ، آفاق و انفس، اوراد صغیر، اوراد کبیر، بلبل نامه، عشق نامه، تراش نامه، حقائق الدقائق، مکتوبات جلال‌الدین رومی، نصیحت نامه، وصیت نامه، نصاب مولوی و... (معجم التاریخ التراث الاسلامی فی مکتبات العالم، ج ۵، ص ۳۲۲۴-۳۱۲۷).

به انضمام مجموعه مزار و تربت بسیار باشکوه و دیدنی مولانا، افزون بر مرقد بهاء‌الدین محمد (پدر)، سلطان ولد (پسر)، حسام‌الدین چلبی (شاگرد) و نیز برخی زهاد و اوتاد و تلامذه مدفونین در جوار مولانا موزه‌ای دیدنی نیز دایر است که حاوی چند سالن است، در یکی البسه و خرقه‌های عتیق خاص صوفیان، دو نسخه بسیار نفیس و کهن از مثنوی معنوی و دیوان کبیر او، کتابت نزدیک عصر مولانا، تندیس‌ها، لوازم شخصی صوفیان، تابلوها و فرش‌های هدایی با مضامین مولانا و صوفیه و نیز سایر آثار هنری ارزشمند قابل مشاهده است؛ در سالن دیگری چند ویرترین حاروی کتب خطی مذهب و بسیار نفیس باشکوه خاصی به نمایش عموم نهاده شده است؛ در میانه سالن ویرینی زیبا - که از آن بوی خوش عطری به مشام می‌رسد و لوستری منور بر فراز آن از

سقف آویزان است - دیده می شود، در درون ویرین جمعی ای طلایی مشاهده می گردد که گفته می شود تار مویی از محاسن شریف حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه و آله و سلم - در میان آن نگهداری می شود؛ در اطراف این سالن تابلوهای زیبا و هنری بسیاری با مضامین مولانا و صوفیه قابل رویت است که شکوه و جلوه خاصی به موزه مولانا داده است.

از دیگر بناهای متعدد این مجموعه بزرگ، کتابخانه تخصصی عظیم و باشکوهی است که به نام مولانا از سال ۱۸۵۵ م در این مکان قدسی دایر گردیده است که در آن علاوه بر وجود برخی کتب چاپی نفیس و کمیاب در حدود ۸۰۰ اثر دستنویس بسیار نفیس به زبان های عربی، ترکی و فارسی گردآوری شده است که قدمت برخی از آنها به دوره سلجوقیان هم می رسد و از این جهت از نفاست فوق العاده ای برخوردارند. خوشبختانه، عارف شیعی، زنده یاد عبدالباقی گولپینارلی، طی ۳ جلد بین سال های ۱۹۶۷ - ۱۹۷۲ م فهرستی وصفی از بیشتر نسخه های خطی عربی، ترکی و فارسی موجود در این کتابخانه منتشر نموده است، لیکن بر اساس تفحص راقم سطور فاقد توصیف نسخه های موجود در داخل ویرین های موزه است. باید افزود که پس از درگذشت گولپینارلی جلد چهارم این فهرست بر اساس پادداشت های وی - که شامل معرفی برخی نسخ موجود دیگر در موزه مولاناست - در سال ۱۹۹۳ به چاپ رسیده است.

از نسخه های نفیس این کتابخانه می توان به نسخه منحصر بفرد و بسیار بسیار مهم «علی نامه» از شاعری متخلص به «دانشی» اشاره نمود که به شماره ۲۵۶۲۱ در کتابخانه موزه مولانا نگهداری می گردد و گفته شده این حماسه بزرگ منظوم نزدیک به زمان سرایش شاهنامه فردوسی به نظم کشیده شده و از نظر ادبی درخور مقایسه با شاهنامه است. البته این دستنویس از نظر کثابت متأخرتر و زمان استساخ آن گویا به قرن هفتم ق برمی گردد. شوربختانه به جهت تعطیلات عید فطر

توفیق دیدار از این کتابخانه هامره و مهم از نزدیک میسر نگردد. این ناچیز یکی از آثار خرویش یعنی فهرست نسخ خطی ترکی کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) را که با خود به قونیه آورده بودم، به نگهبان موزه دادم تا بعد از تعطیلات عید فطر جهت استفاده پژوهشگران در کتابخانه تخصصی مولانا در قونیه بنهند.

همان گونه که پیشتر نیز اشاره گردید، داخل ویرین های سالن اصلی موزه دو نسخه بسیار نفیس از مثنوی معنوی و دیوان کبیر کتابت عصر مولانا دیده می شود؛ افزون بر آن دو نسخه در سالن شماره دوی موزه نیز حدود ۵۷ نسخه خطی مذهب نفیس (بیشتر مصاحف شریف) در معرض نمایش عموم نهاده بودند که تاکنون فهرستی از آنها منتشر نشده است. راقم بر آن گردید که لیستی از آن آثار در کمال استعجال برای بهره مندی پژوهشگران تهیه نماید و به نظر می رسد که درج آن لیست مختصر در این نوشتار خالی از لطف نبوده باشد:

۱. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۱۵، تاریخ کتابت ۱۲۹۶ م.
۲. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۲۷، تاریخ کتابت ۱۳۵۲ م.
۳. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۱۱۹۱، تاریخ کتابت سده ۱۶ م.
۴. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ مایل به کوفی، شماره ۱۳، تاریخ کتابت سده ۹ م.
۵. قرآن کریم (سوره مریم)، به خط کوفی، شماره ۱۰۹۵، تاریخ کتابت سده ۹ م.
۶. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، در قطع سلطانی بزرگ، شماره ۳، تاریخ کتابت ۹۶۵ ق/ ۱۵۵۷ م.
۷. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۳۳، تاریخ کتابت سده ۱۶ م از دوره عثمانی.
۸. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، بدون شماره، تاریخ کتابت ۱۸۳۸ ق/ ۱۲۵۴ م.
۹. قرآن کریم با ترجمه ترکی عثمانی، مذهب، به خط نسخ، بدون شماره، تاریخ کتابت سده ۱۶ م.

۱۰. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ و عناوین ثلث، شماره ۱۶، تاریخ کتابت ۶۹۶ ق/ ۱۲۹۶ م.
۱۱. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۳۹، تاریخ کتابت ۱۰۸۳ ق/ ۱۶۷۲ م.
۱۲. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۴۰، تاریخ کتابت ۱۷۶۹ م.
۱۳. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۳۵، تاریخ کتابت ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۱ م.
۱۴. قرآن کریم با ترجمه فارسی، مذهب به خط ریحان (آیات) و تعلیق (ترجمه)، قطع رحلی بزرگ، شماره ۲۹، تاریخ کتابت سده ۱۱ م.
۱۵. قرآن کریم، مذهب، به خط نسخ، شماره ۱۱۴۷۸، تاریخ کتابت ۱۱۸۹ ق/ ۱۷۶۷ م.
۱۶. جواهرالتفسیر از مولی حسین کاشفی سبزواری (در گذشته به سال ۹۱۱ ق)، مذهب حالی، به خط نستعلیق مقصود بن عبدالحق حقی، شماره ۱۴۹، تاریخ کتابت ۱۵۳۹ م.
۱۷. قرآن کریم (انعام شریف)، مذهب، به خط نسخ حافظ احمد، بدون شماره، تاریخ کتابت ۱۲۲۲ ق/ ۱۸۰۷ م.
۱۸. قرآن کریم، در دو جلد مذهب و مصور به تصاویر متنوع مکه و مدینه، به خط نسخ السعید حسن الحسنی، بدون شماره، تاریخ کتابت ۱۲۹۶ ق/ ۱۸۵۲ م.
۱۹. تفسیر آل عثمان، مذهب و مصور ۱۳۵ به تصاویری از سلطان عبدالمجید، شماره ۱۱۴، تاریخ کتابت سده ۱۹ م.
۲۰. دیوان حافظ شیرازی، مذهب شماره ۱۳۰، سده ۱۱ یا ۱۲ ق/ ۱۷-۱۸ م.
۲۱. مجموعه ای از آثار عبدالرحمن جامی، مذهب شماره ۱۴۳، تاریخ کتابت سده ۱۵ م.
۲۲. ترجمه منظوم حدیث اربعین از عبدالرحمن جامی، مذهب شماره ۱۱۸، تاریخ کتابت (تألیف) ۸۸۶ ق/ ۱۴۸۲ م.
۲۳. الکواکب الدرّیه از بوعلی سینا، به خط نسخ و ثلث شمس الدین محمد بن خلیل موکرمل چلبی «برسم عززانه المقام الشریف سلطان البرّین و البحرین خدام الحرمین

الشريفين المالك الملك الأشرف ابى النصر قايتباى، خلد الله ملكه و عزّ مفرّه، شماره ۱۲۷، تاريخ كتابت سده ۱۵ م.
 ۲۴. اوراد مولانا، به خط وحدتى شماره ۱۰۶۹، تاريخ كتابت ۱۳۰۴ ق/ ۱۸۸۶ م.
 ۲۵. ديوان كبير مولانا، مذهب، شماره ۷۹، تاريخ كتابت ۱۲۸۳ ق/ ۱۸۶۶ م.
 ۲۶. ديوان كبير مولانا، مذهب، شماره ۷۲، تاريخ كتابت ۱۲۷۱ ق/ ۱۸۵۳ م.
 ۲۷. مثنوى معنوى مولانا، مذهب به خط نستعليق، بدون شماره، تاريخ كتابت ۱۴۹۰ ق/ ۱۸۹۶ م.
 ۲۸. حديقۃ السعداء از محمد بن سليمان فضولى بغدادى به تركى، مذهب همراه چند مجلس نگاره (مينياتور)، شماره ۹۳، تاريخ كتابت ۹۹۴ ق/ ۱۵۸۵ م.
 ۲۹. حديقۃ السعداء از همو، مذهب با چند مجلس نگاره (مينياتور)، شماره ۱۰۱، تاريخ كتابت ۱۶۰۴ م.
 ۳۰. ديوان حافظ شيرازى، مذهب همراه چند مجلس نگاره (مينياتور)، شماره ۱۲۳، تاريخ كتابت سده ۱۶ م.
 ۳۱. صحبة الابرار از عبدالرحمن جامى، مذهب، شماره ۱۲۳، تاريخ كتابت ۱۵۳۷ م.
 ۳۲. مجموعه اى نفيس به خط محمد بن احمد بن ترين زاده، شماره ۱۰۲، تاريخ كتابت ۱۰۹۹ ق/ ۱۶۸۷ م.
 ۳۳. مثنوى معنوى مولانا، مذهب، شماره ۶۱، تاريخ كتابت ۱۰۱۶ ق/ ۱۶۰۷ م.
 ۳۴. مثنوى معنوى مولانا، مذهب، شماره ۶۵، تاريخ كتابت ۱۲۶۸ ق/ ۱۸۵۱ م.
 ۳۵. قرآن كريم، مذهب و نفيس، قطع سلطاني، شماره ۱۲، تاريخ كتابت ۷۱۴ ق/ ۱۳۱۴ م.
 ۳۶. قرآن كريم، مذهب و بسيار نفيس، به خط عبدالقدير الحسينى، شماره ۱، بدون تاريخ (به جهت بسته بودن قرآن كريم در داخل و يترين فقط جلد طلايى عصر تيمورى آن ملاحظه گرديد).
 ۳۷. قرآن كريم، مذهب و بسيار نفيس، شماره ۲۵، تاريخ كتابت ۹۵۱ ق/ ۱۵۴۴ م.

۳۸. قرآن كريم، مذهب، به خط محمد حمدى كوتاهوى، شماره ۱۴۵۹، تاريخ كتابت ۱۲۴۵ ق/ ۱۸۲۹ م.
 ۳۹. مثنوى شرحى (= شرح مثنوى) از بحر العلوم عبدالعالى لکهنوى، شماره ۸۰، تاريخ كتابت ۱۲۶۴/ ۱۸۴۸ م.
 ۴۰. مثنوى شرحى از همو، شماره ۸۱، تاريخ كتابت ۱۲۶۴ ق/ ۱۸۴۸ م.
 ۴۱. شفای شريف (= الشفاء بتعريف حقوق المصطفى) از قاضى عياض بن موسى يحصى سبى مالکى (در گذشته به سال ۵۴۴ ق) به خط حاجى مصطفى، شماره ۱۱۱۹، تاريخ كتابت ۱۱۵۳ ق/ ۱۷۳۹ م.
 ۴۲. قرآن كريم، مذهب، شماره ۱۱۱۵، تاريخ كتابت ۱۲۸۲ ق/ ۱۸۶۵ م.
 ۴۳. مثنوى شرحى از صارى عبدالله، شماره ۸۲، تاريخ كتابت سده ۱۲ ق/ ۱۸ م.
 ۴۴. تفسير ابن عباس، شماره ۱۱۶۹، تاريخ كتابت سده ۱۷ م.
 ۴۵. مجموعه شعر به زبان فارسى (= شعر مجموعه سى)، به خط محمد فکرى به شماره ۱۳۳، تاريخ كتابت ۱۲۶۲ ق/ ۱۸۴۶ م.
 ۴۶. مثنوى معنوى مولانا، مذهب، به شماره ۶۶، تاريخ كتابت ۱۲۷۰ ق/ ۱۸۵۳ م.
 ۴۷. روشنائى نامه، از ناصر خسرو علوى قباديانى، شماره ۱۴۷، بدون تاريخ؟؟
 ۴۸. حصن الحصين من كلام سيد المرسلين از محمد بن محمد دمشقى جزرى (در گذشته به سال ۸۳۳ ق)، شماره ۱۱۳۴، تاريخ كتابت ۱۱۶۷ ق/ ۱۷۵۳ م.
 ۴۹. حاشيه لر و فاتحه شرحى (= حاشيه ها و شرح فاتحه) از سعد سعدالله بن عيسى، شماره ۱۶۶، تاريخ كتابت ۱۰۸۰ ق/ ۱۶۷۰ م.
 ۵۰. خمسه نظامى گنجوى، شماره ۱۳۸، تاريخ كتابت سده ۱۵ م.
 ۵۱. مخزن الاسرار نظامى گنجوى، شماره ۱۴۵، تاريخ كتابت ۹۸۱ ق/ ۱۵۷۴ م.
 ۵۲. وقايه الروايه از صدر الشريفة محمود بن عبيدالله بن ابراهيم محبوبى بخارى (در گذشته به سال ۶۷۳ ق)، شماره ۱۱۳، تاريخ كتابت ۱۵۷۳ م.
 ۵۳. قرآن كريم، مذهب به خط نسخ،

شماره ۱۱۴۹، تاريخ كتابت ۱۲۵۱ ق/ ۱۸۳۵ م.
 ۵۴. اوراد مولانا، مذهب، شماره ۲۷، تاريخ كتابت ۱۲۹۷ ق/ ۱۸۸۰ م.
 ۵۵. حضرت عليبن شجره سى (= شجره حضرت على) (ع)، مذهب، به صورت طومار، سده ۱۱ ق/ ۱۷ م.
 ۵۶. قرآن كريم، مذهب بسيار نفيس، به خط كوفى، بدون شماره، تاريخ كتابت سده ۸-۷ م.
 ۵۷. سنجاق قرآنى، مذهب، بدون شماره، تاريخ كتابت سده ۱۶ م.
 اين گزارش را با غزلى زيبا از ديوان شمس تبريزى، به انجام مى بريم:
 هر كجا بوى خدا مى آيد
 خلق بين بى سر و پا مى آيد
 زانك جان ها همه تشنه ست بوى
 تشنه را بانگ سقا مى آيد
 شير خوار كرمند و نگران
 تا كه مادر ز كجا مى آيد
 در فراقد و همه منتظرند
 كز كجا وصل و لقامى آيد
 از مسلمان و جهود و ترسا
 هر سحر بانگ دعا مى آيد
 خنك آن هوش كه در گوش دلش
 ز آسمان بانگ صلا مى آيد
 گوش خود را ز جفا پاك كنيد
 زانك بانگى ز سما مى آيد
 گوش آلوده نوشد آن بانگ
 هر سزايى بسزا مى آيد
 چشم آلوده مكن از خد و خال
 كان شهنشاہ بقا مى آيد
 و ر شد آلوده به اشكش مى شوى
 زانك از آن اشك دوامى آيد
 كاروان شكر از مصر رسيد
 شرفه گام و درامى آيد
 هين خمش كز بى باقى غزل
 شاه گوينده ما مى آيد

حسين متقى

